

بسم الله الرحمن الرحيم
دومین همایش ادب مقاومت پارسی
دانشگاه پیام نور استان همدان

جلوه حماسه «آرش کمانگیر» در دفاع مقدس

دکتر مریم بلوری*

چکیده

آرش، آزادمردی نستوه و پهلوانی بی پرواست که برای حفظ کیان و دفاع از خاک پاک میهن، یکه و تنها حماسه ای آفرید که تا جهان برپاست نام و یادش بر صحیفه پهلوانان و خاطر ایرانیان خواهد درخشید.

او با پرتاب تنها یک تیر، نه تنها توانست زمینهای اشغال شده توسط تورانیان را برگرداند و ایران و ایرانی را از شیخونهای دم به دم دشمن ظاهری حفظ کند، دیو خشکسالی، این دشمن دیرپای وطن را نیز از میان برداشت و شادی و آبادانی را برای مردمانش به ارمغان آورد و در این نیت پاک و عمل سترگ نیروهای اهورایی یاریگر او بودند.

در گفتار پیش رو به اهمیت جوانب کار این پهلوان وطن پرست از جهات مختلف سیاسی، اجتماعی، دینی و فردی پرداخته خواهد شد و با استناد به روایتهای گوناگون دیرباز تا عصر حاضر گفته می شود که حماسه آرش کمانگیر نه صرفاً یک اسطوره یا افسانه، که الگویی ذهنی و دیرینه برای تمامی پهلوانان ملی بوده است، از این رو در دوره معاصر نیز مشابهت هایی در عملکرد دلاوران هشت سال دفاع مقدس با پهلوانان کهن از جمله آرش دیده می شود. باز پس گیری سرزمین های اشغالی با جسارت و دلیری و نیز حضور باورهای دینی در مواجهه با دشمن از جمله این مشابهت هاست.

کلمات کلیدی: آرش، آرش کمانگیر، ایران، دفاع مقدس

مقدمه

اگرچه سرزمین پهناور ایران از دیرباز همواره معرض تاخت و تاز اقوام بیگانه بوده است، با وجود این هیچگاه ایرانیان از اندیشه استقلال و رهایی خاک پاک میهن خود غافل نبوده اند. از حمله اسکندر که با ستیز اقوام جنگجو و تیراندازان پارسی روبرو گشت تا حمله نژادپرستان عرب و سلطه خلفای غاصب که با قیام کسانی چون ابو مسلم، بابک خرم دین و دهها آزادمرد ایرانی پاسخ داده شد، همواره ایرانیان به آزادی و سربلندی سرزمین خود اندیشیده‌اند و این حقیقت ناب را بارها در دوره های مختلف اثبات کرده اند.

آرش کمانگیر نیز جزو این تبار نژاده به شمار می‌رود که با آگاهی و ایمان توانست این سرزمین اهورایی را از چنگک دژخیمان تورانی پس بگیرد، خاکی که مدام در معرض آسیب و لگدکوب صحرائشینان بی فرهنگ قرار داشت و می‌رفت تا طوفان بلایش پراکنده سازد.

درباره آرش بسیار سخن گفته اند، از نخستین آثار همچون اوستا گرفته تا مورخان و شاعران و هنرمندان معاصر که بحق همت والای آرش را ارج نهاده اند. در این گفتار ضمن اشاره ای مجمل به حماسه آرش کمانگیر جنبه های مخلف سیاسی، اجتماعی، دینی و فردی آن بیان شده است تا به مخاطب جوان امروزی یادآور شود که آرش تنها یک اسطوره یا افسانه نبود. از آنجا که تمامی اسطوره های ملی ریشه در واقعیت دارند و گزاره هایی نمادین از واقعیت به حساب می‌آیند. حماسه آرش نیز همچون آینه ای تابناک همواره فراروی قهرمانان ملی این سرزمین بوده است و جلوه هایی از رشادت این کمانگیر کهن در حماسه هشت سال دفاع مقدس جوانان این سرزمین مشهود و مشکور است.

الف) بُعد سیاسی

درباره جنگهای مدید ایران و توران و طبع اهریمنی افراسیاب و رفتار ناسزاوار او با ایرانیان در عهد منوچهر، در آثار مختلف چنین می‌خوانیم: «افراسیاب مردی جادو بود. جنگهای او با ایرانیان از عهد منوچهر آغاز گشت... می‌توانیم با هرتل در این باب همداستان باشیم که افراسیاب یکی از معروفترین نمایندگان اقوام آریایی آن سوی جیحون بود و اگر از ارباب انواع ایشان نبوده اقلاب بزرگترین نمودار پهلوانی و چپاول و یغماگری و تاخت و تاز اقوام تورانی بوده است.» (صفا، ۱۳۷۸: ۵۹۶-۵۹۷)

بزرگان کشوری و لشکری برای مصالحه و پایان جنگ ، تعیین مرز ایران و توران را به پرتاب یک تیر واگذار می کنند ، یعنی هر جا تیر پرتابی بر زمین بنشیند مرز ایران خواهد بود ... تیر آرش به روایتی «تمام روز را پرواز می کند و شبگیر بر دامنه کوه خوانونت در کنار جیحون بر تنه درخت گردویی می نشیند» (هینلز ، ۱۳۸۳ : ۱۲۰) بر خلاف باور تورانیان ، با تیرافکنی آرش ، سرزمینهای اشغال شده دوباره به خاک ایران می پیوندد و با تعیین مرزی استوار صلح و آرامش بر این قلمرو حاکم می گردد.

در دوره حاضر نیز حمله رژییم بعثی عراق، تکراری بر این تجاوزات تاریخی است. اینبار هدف دشمن، حاکمیت مطلق بر اروندرود و نقض عهدنامه ۱۹۷۵، تصاحب جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی و نیز تجزیه خوزستان بود و ارتش عراق با این اهداف از پیش تعیین شده تهاجم سراسری خود را علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا آغاز کرد. (منصوری لاریجانی، ۱۳۸۰ : ۱۲۰) اما رزمندگان غیور ایرانی طی عملیات های مختلف بیت المقدس، والفجر ، بدر، خیر و بسیاری دیگر توانستند دشمن را از سرزمینهای اشغالی بیرون نموده و حتی با حمله به تأسیسات نظامی-اقتصادی و پایگاههای حفاظتی و پشتیبانی عراق، باعث انهدام توان نظامی آنها شوند.

ب) بعد اجتماعی

ایرانیان از دیرباز با خشکسالی دست و پنجه نرم کرده اند ، آئینها و مراسم نقاط مختلف ایران در طلب باران و خواندن دعای باران شاهد این مدعاست. مراسم فردی و جمعی از چُمچه گلین و طلب باران با علم و زنبیل و تابوت گرفته تا کوسه کوسه و طلب باران با قاشق و جارو و قیچی همگی نشان از آن دارد که این سرزمین و مردمانش همواره از کمبود باران و خشکسالی رنجها کشیده اند. آمدن سپاه افراسیاب به ایران نیز با خشکسالی و قحطی همراه است . دینوری خشکسالی ایران را همزمان با حضور سپاه افراسیاب می داند ، روایت ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه نیز بر همین روال است: «منوچهر و ایرانیان را در این حصار کار سخت و دشوار شده بود به قسمی که دیگر به آرد کردن گندم و پختن نان نمی رسیدند زیرا طول می کشید و گندم و میوه های کال را که هنوز نرسیده بود می پختند . «(ابوریحان بیرونی ، ۱۳۷۷ : ۳۳۵)

از مجموع گزارشها و روایت ها چنین استنباط می شود که اگرچه بی آبی بر سرزمین ایران سیطره ای بی امان داشته ، در روزگار منوچهر و بویژه پس از تیر افکندن آرش ورق برمی گردد و مردمان روی شادمانی و آبادانی را می بینند.

روایت اوستا از ریزش باران پس از تیرافکندن آرش چنین است: «تشر» پریان را شکست داد و از دریای «فراخ کرت» دور ساخت. آنگاه ابرها فراز آمدند و آبهایی که سالی خوش در پی دارند روان گردیدند. سیل باران پرشتاب و آبهای جوشان و خروشان که در روی هفت کشور پراکنده گردد در این ابرهاست.» (دوستخواه، ۱۳۶۶: ۱۸۴)

با افکندن تیر آرش و فرود آمدن باران، رفاه اجتماعی بر امنیت ملی افزوده می‌شود، آبادانی روی می‌گشاید و مردم از اسارت دشمن خانگی نیز رهایی می‌یابند و به استناد سخن ابوریحان، بنای «جشن تیرگان» و عیدگرفتن ایرانیان در چنین روزی به میمنت تیرافکنی آرش و پایان نزاع ایران و توران بوده است. (رک: ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۳۴-۳۳۵)

ج) بُعد دینی

اولین چیزی که در حماسه آرش شگفت‌انگیز می‌نماید، پرواز تیر اوست که به تعبیرهای گوناگون نیم‌روز تا یک روز در راه بوده است. اما همین روایتها از نیرویی که به آرش داده می‌شود نیز سخن گفته‌اند. در آثارالباقیه آمده است: «افراسیاب چون به کشور ایران غلبه کرد و منوچهر را در طبرستان در محاصره گرفت، منوچهر از افراسیاب خواهش کرد که از کشور ایران به اندازه پرتاب یک تیر در خود به او بدهد و یکی از فرشتگان که نام او اسفندارمذ بود حاضر شد و منوچهر را امر کرد که تیر و کمان بگیرد به اندازه ای که به سازنده آن نشان داد چنانکه در کتاب اوستا ذکر شده و (ارش) را که مردی با دیانت بود حاضر کردند گفت که تو باید این تیر و کمان را بگیری و پرتاب کنی و ارش برپا خاست و برهنه شد و گفت ای پادشاه و ای مردم بدن مرا ببینید که از هر زخمی و جراحتی و علتی سالم است و من یقین دارم که چون با این کمان این تیر را بیندازم پاره پاره خواهم شد و خود را تلف خواهم نمود ولی من خود را فدای شما کردم. سپس برهنه شد و به قوت و نیرویی که خداوند به او داده بود کمان را تا بناگوش خود کشید و خود پاره پاره شد و خداوند باد را امر کرد که تیر او را از کوه رویان بردارد و به اقصای خراسان که میان فرغانه و طبرستان است پرتاب کند و این تیر در موقع فرود آمدن به درخت گردوی بزرگی گرفت که در جهان از بزرگی مانند نداشت.» (ابوریحان بیرونی، ۱۳۷۷: ۳۳۴-۳۳۵)

«آرش» برای پرتاب تیر بر بلندای کوه می‌رود. آیا میان تیرافکنی او و آسمان ارتباطی هست. باورهای اساطیری پاسخ این پرسش را مثبت می‌دانند. ریزش باران و فیض رسانی ستاره «تشر» پس از تیرافکندن آرش بر بلندی کوه به همین دلیل است و آرش این پهلوان آگاه و دلاورمرد ایران زمین به خوبی این رمز و رازها را می‌داند.

هرچه هست بنا به گفته اوستا که کهن‌ترین کتاب دینی ایرانیان است، آرش مردی با دیانت خوانده شده، ابوریحان نیز به دستور اسفندارمذ در انتخاب آرش و نحوه ساختن تیر و کمان او و امر کردن خداوند به باد در راندن تیر اشاره کرده است.

به هر روی دین باوری ایرانیان همواره یاریگر آنها در لحظه‌های سخت و شکننده بوده است. دینداری دلاوران دفاع هشت ساله در نبرد با دشمن متخاصم نیز می‌تواند جلوه‌ای از این مشابهت‌های دینی و آئینی باشد. درباره قوی بودن روحیه دینی دلاورمردان دفاع مقدس می‌خوانیم: «آنها در سخت‌ترین شرایط نبرد حتی در حالی که زخمی یا بستری بودند، با زبان روزه نماز را برپا می‌داشتند و از امام خود در روز عاشورا یاد گرفته بودند که همه تلاشها برای انجام فرائض است. سرباز شهید مرتضی اردکانی که در منطقه شلمچه ردای سرخ شهادت را پوشید، در وصیت‌نامه خود خطاب به مادرش نوشته است: اگر شهید شدم چهار روز روزه نگرفته ام قضای آن را به جای آورید» و دیگر هیچ چیز دیگر نخواست» (دادگر و سجادی، ۱۳۸۴: ۷۶)

د) بُعد فردی

درباره آرش پس از پرتاب تیر دو روایت وجود دارد، بعضی مورخان برآنند که آرش زنده ماند و به پادشاهی رسید: «گویند منوچهر از طره و دجله و رود بلخ نهرهای بزرگ جدا کرد و به قولی همو بود که فرات بزرگ را حفر کرد و مردم را به کشت زمین و به آبادانی فرمان داد و تیراندازی را به کار جنگاوران افزود و سالاری آن را به ارشسیاطیر سپرد به سبب تیری که انداخته بود» (طبری، ۱۳۷۵: ۲۹۰). بلعمی نیز به تبع محمدبن جریر طبری از زنده بودن آرش و پادشاهی او خبر می‌دهد. (رک: بلعمی، ۱۳۸۰: ۲۴۱)

اما روایت دیگر از مرگ آرش سخن می‌گوید. مرگ آرش کاملاً آگاهانه است، او پیش از عمل می‌داند که پرتابش چقدر ارزشمند و بهای آن پرداختن جان شیرین است و او این بها را چه نیکو می‌گزارد. آرش به رویارویی مرگی می‌رود که عین زندگی است. او جان خاکی را به چیزی نمی‌گیرد و با پای خود به استقبال مرگ می‌رود. «خصیصه بارز رزمندگان نیز در دفاع مقدس شجاعت بود. جبهه محیطی را فراهم می‌آورد که افراد عادی و ساده شهر و روستا و ایلات و عشایر سیر کمالی طی می‌کردند. از جریانات حوادث و نیرنگهای دشمن آگاه می‌شدند، دسیسه استعمارگران را می‌شناختند و می‌دانستند برای چه به جبهه می‌روند و چرا می‌جنگند. همین جوانان غیور در دل شب تیره تا قلب

سپاه دشمن پیشروی می‌کردند. از قویترین آتشبارها و بمبارانها و صداهای رعدآسای توپ و تانک نمی‌ترسیدند زیرا شهادت را فوز عظیم می‌دانستند تا آنجا که گویی مرگ از آنها می‌ترسید.» (دادگر، سجادی، ۱۳۸۴: ۷۸)

نتیجه‌گیری

آرش و حماسه او صرفاً یک اسطوره نیست بلکه یاد و نام این پهلوان بزرگ همواره در حافظه ایرانیان وجود داشته است و دل‌آور مردان ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخ آگاهانه یا ناخودآگاه به رشادت بزرگ این اسطوره میهن تاسی نموده‌اند.

آرش آگاهانه جان خویش را فدا کرد تا سرزمین اشغال شده کشورش را دوباره برگرداند، او می‌دانست که پس از پرتاب این تیر دیگر زنده نخواهد ماند اما جان خود را دریغ نکرد تا ایران و ایرانی سربلند بماند. فرزندان خلف آرش نیز در نبرد با دشمن بعثی داوطلبانه به میدان رفتند تا نگذارند وجبی از خاک اهورایی در کف دشمن بماند. در حماسه آرش سوای برگشتن سرزمین اشغالی و شادمانی مردم، نیروهای معنوی نقش مؤثر داشتند. دیانت آرش چیزی است که اوستا به آن اشاره کرده است و این مورد نیز در دفاع هشت ساله و جنگ تحمیلی به خوبی مشهود است، متن وصیت‌نامه شهیدان، مراسم دعا و مناجات در شبهای عملیات و فضای معنوی جبهه‌ها، همه و همه نشان از آن دارد که سربازان ایرانی با امداد گرفتن از نیروی الهی توانستند کشور را از لوٹ وجود بیگانگان پاک کنند. اگر پس از حماسه آرش مرز ایران و توران مشخص شد و امنیت و آرامش به میهن بازگشت، روزهای سخت جنگ تحمیلی نیز با رشادت فرزندان ایران زمین به پایان رسید تا یک بار دیگر بوی صلح و آرامش به مشام برسد. آرش مرگ را برگزید تا کشورش از ننگ در امان بماند. رزمندگان غیور نیز مرگ سرافرازانه را برگزیدند تا خاک و ناموسشان از دستبرد دشمن حفظ گردد. اگر آرش تنها در یک روز و با یک تیر حماسه‌ای جاودان آفرید، فرزندان او در هشت سال و در هر روز حماسه‌ها آفریدند. رشادت‌های کسانی چون «نورالدین عافی» که هشتاد ماه مردانه در میدان جنگ ماند و جراحتهای و دردهای بسیار به جان خرید تا وطنش سربلند بماند برای همیشه در حافظه تاریخ مثبت

خواهد بود. جسارت ، شهامت ، وطن پرستی و ایمان در خون فرزندان ایران جاریست، خواه آرش کمانگیر باشد خواه سرداران و غیور مردان جنگ تحمیلی!

منابع

۱. ابوریحان بیرونی (۱۳۷۷) ، آثارالباقیه ، تهران ، انتشارات امیرکبیر
۲. بلعمی، ابوعلی (۱۳۸۰) ، تاریخ بلعمی ، به تصحیح محمدتقی بهار، تهران ، انتشارات زوار
۳. بهار ، مهرداد (۱۳۸۱) ، از اسطوره تا تاریخ ، شیراز ، نشر چشمه
۴. دوستخواه ، جلیل (۱۳۶۶) ، اوستا ، گزارش استادابراهیم پورداود ، تهران ، انتشارات مروارید
۵. دینوری ، ابوحنیفه احمد (۱۳۸۱) ، اخبارالطوال ، ترجمه محمد مهدوی دامغانی ، تهران ، نشر نی
۶. سرآمی ، قدمعلی (۱۳۶۸) از رنگ گل تا رنج خار ، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی
۷. صفا ، ذبیح الله (۱۳۷۸) ، حماسه سرایی در ایران ، تهران ، انتشارات فردوس
۸. منصوری لاریجانی ، اسماعیل (۱۳۸۰) تاریخ دفاع مقدس ، تهران ، نشر اسلیمی